

در عوض به چارچوب ضد تروریسم اسرائیل پرداخت و با ادامه جنگ، دولت بایدن از تاکتیک‌های اسرائیل دفاع کرد. آمریکا برخی از ادعاهای تایید نشده و بعداً رد شده اسرائیل درباره اقدامات حماس را طوطی‌وار تکرار کرد. اگرچه ایالات متحده در نهایت درباره حمایت از غیرنظامیان فلسطینی پرسرودتر شد اما از حمایت عمومی از اقدامات کلیدی که به نجات جان آنها کمک می‌کند، خودداری کرده است. در عوض، در سازمان ملل، ایالات متحده قطعنامه‌های شورای امنیت را که خواستار توقف‌های بشردوستانه در جنگ بود، وتو کرد. تنها در ۲۲ دسامبر، با رای ممتنع خود، به شورای امنیت اجازه داد قطعنامه‌ای مصالحه‌آمیز تصویب کند که در آن خواستار «گام‌های فوری برای اجازه فوری دسترسی ایمن، بدون مانع و گسترده به کمک بشردوستانه» به غزه و «شرایط توقف پایدار خصومت‌ها» شد. این کشور هرگز علناً به توقف انتقال تسلیحات خود به اسرائیل نپرداخته است. چند روز پس از حکم دادگاه بین‌المللی و درخواست‌های آن برای اقدامات موقت برای جلوگیری از نسل‌کشی در غزه، ایالات متحده و تعدادی دیگر از دولت‌های غربی کمک مالی به اژانس امداد و کار سازمان ملل را که به مردم غزه کمک می‌کند، لغو کردند. این تصمیم فقط خطرات آشکار نسل‌کشی را نادیده نمی‌گیرد، بلکه به تقویت و تسریع آن کمک می‌کند. موقعیت بر قدرت ایالات متحده و نفوذ آن بر اسرائیل به این معنی است که واشنگتن به طور منحصر به

فردی برای تغییر واقعیت میدانی در غزه، بیش از هر کشور دیگری، موقعیت دارد. ایالات متحده می‌تواند از ادامه ارتکاب جنایات متحد نزدیک خود جلوگیری کند اما تاکنون، آن را انتخاب نکرده است.

این الگوی رفتاری هزینه زیادی دارد. همانطور که یکی از دیپلمات‌های G7 گفته است: «ما قطعاً در نبرد در جنوب جهانی شکست خورده‌ایم. تمام کارهایی که ما با جنوب جهانی (بر سر اوکراین) انجام داده‌ایم، از بین رفته است... قوانین را فراموش کنید، نظم جهانی را فراموش کنید. آنها دیگر هرگز به حرف ما گوش نخواهند داد».

#### تغییر دوران

خطر نسل‌کشی، شدت تخلفات انجام شده و توجیحات سست مقامات منتخب در دموکراسی‌های غربی، هشداردهنده تغییر دوران است. نظم مبتنی بر قواعد که از پایان جنگ دوم جهانی بر امور بین‌الملل حاکم بوده، در حال از بین رفتن است و ممکن است بازگشتی وجود نداشته باشد.

پیامدهای این رها کردن بسیار آشکار است: بی‌ثباتی بیشتر، پرخاشگری بیشتر، درگیری بیشتر و رنج بیشتر. تنها کنترل خشونت، خشونت بیشتر خواهد بود. پایان نظم مبتنی بر قواعد همچنین خشم گسترده و محسوس را در تمام لایه‌های جامعه، در همه گوشه‌های زمین، به همراه خواهد داشت، جز در میان آنهایی که در موقعیتی قرار دارند که هر گونه پاداش ناپسندی را که می‌توان از سیستم بین‌الملل

◆◆◆  
نه ناراضی‌های تاریخی و نه چشم‌انداز بلندمدت صلح در خاورمیانه و احتمالاً فراتر از آن، بدون یک فرآیند بین‌المللی و فراگیر که برچیدن سیستم آپارتاید اسرائیل را مشخص می‌کند و اجازه می‌دهد امنیت و حقوق همه مردم محافظت شود، قابل رسیدگی نیست

درهم شکسته استخراج کرد، برداشت کنند. اسرائیل و بزرگ‌ترین حامی آن، ایالات متحده باید بپذیرند هدف نظامی اعلام شده از بین بردن حماس، هزینه‌های زیادی را برای جان غیرنظامیان و زیرساخت‌ها به همراه داشته است که احتمالاً تحت قوانین بین‌المللی قابل توجیه نیست. اکنون بیش از هر زمان دیگری مهم است دادستان دیوان کیفری بین‌المللی قاطعانه برای صدور کیفرخواست برای جنایاتی که اتفاق افتاده است، اقدام کند.

نه ناراضی‌های تاریخی و نه چشم‌انداز بلندمدت صلح در خاورمیانه و احتمالاً فراتر از آن، بدون یک فرآیند بین‌المللی و فراگیر که برچیدن سیستم آپارتاید اسرائیل را مشخص می‌کند و اجازه می‌دهد امنیت و حقوق همه مردم محافظت شود، قابل رسیدگی نیست. زمان در حال اتمام است. اگر تاریخ واقعاً تکرار می‌شود، همانطور که به ما گفته می‌شود، پس باید به خود هشدار داده باشیم. در شرایطی که کاربرد جهانی حقوق بین‌الملل احتمالاً در حال مرگ است و هنوز چیزی جز منافع وحشیانه و حرص و آز محض جای آن را نگرفته است. با اجرای جهانی قوانین بین‌الملل که احتمالاً در حال مرگ است و هنوز چیزی جای آن را نگرفته است، خشم گسترده‌ای می‌تواند ایجاد شود و توسط بسیاری از افراد حاضر برای ایجاد بی‌ثباتی گسترده‌تر در مقیاس جهانی بزرگ‌تر مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

منبع: فارن افرز

#### یادداشت

## فلسطین در بستر روایت‌های رسانه‌ای



دکتر داوود فریدیور

استاد رسانه و ارتباطات

در آغاز بحث چنین به نظر می‌رسد که برای آنکه تحلیل درستی از نقش و تأثیر رسانه‌ها در این دوره از جنگ بین فلسطینیان و اشغالگران قدس شریف داشته باشیم، لازم است در مقدمه یکسری مفاهیم اصلی و تأثیرگذار را مورد بررسی قرار دهیم و بعد عملکرد رسانه‌ها را در مقام مقایسه با گذشته ارزیابی کنیم تا به تحلیل درستی در ارتباط با فرآیندهای رسانه‌ای این عملیات برسیم. آنچه مسلم است اینکه ما و اکثر مردم دنیا واقعیت‌های صحنه میدان نبرد را صرفاً از قاب رسانه‌ها مشاهده کرده‌ایم و هیچ کدام از نزدیک شاهد اتفاق‌ها و رویدادهای میدان نبرد نبوده‌ایم. پس نخستین نکته این است که نقش رسانه در برداشت‌های مخاطب بسیار پررنگ بوده و نه تنها در این باره بلکه در موارد مشابه هم همین گونه است. اساساً به رغم آنکه ما فکر می‌کنیم در عصر حاضر دنیا کوچک‌تر شده، فاصله‌ها از بین رفته و اتفاقات دور دست‌ها به واسطه وسایل ارتباط جمعی نزدیک‌تر از همیشه به ما هستند اما واقعیت چیز دیگری را به ما می‌گوید. واقعیت بیرونی یا آنچه در فضای رئال دنیا رخ می‌دهد همچون گذشته از ما بسیار دور است، از همین رو تنها احساس و حس نزدیکی به مسائل در ما تقویت شده، چراکه رسانه‌ها اتفاق‌ها را برای ما در دسترس‌تر کرده‌اند. همین موضوع این احساس را به ما القا کرده که دنیا کوچک‌تر شده است. حالاً ممکن است چنین پرسشی طرح شود: مقدمه مذکور چه ارتباطی با بحث غزه پیدا می‌کند؟

نکته اساسی درست همین جاست که ما واقعیت‌های دنیا را از دریچه رسانه‌ها می‌بینیم، یعنی آن‌گونه که آنها روایت می‌کنند با موضوع آشنا می‌شویم و نسبت به آن شناخت پیدا می‌کنیم. این شناخت در وجود ما ایجاد احساس کرده و برابر آن حس، خوب یا بد یا خنثی، واکنشی از خود نشان می‌دهیم. پس بسیار مهم است که یک رسانه چگونه آن رویداد را برای ما روایت می‌کند یا ما از کدام رسانه درباره آن رویداد مطلع می‌شویم. این سوال هر چند نزد اصحاب خرد بدیهی به نظر می‌رسد اما بسیاری ممکن است این پرسش را مطرح کنند: مگر تفاوتی نیز دارد که از چه طریق اخبار و اطلاعات خود را پیرامون جنگ غزه به دست می‌آوریم؟ متأسفانه یا خوشبختانه باید بگویم بله! فرق می‌کند، نه تنها فرق می‌کند، بلکه بسیار بسیار مهم نیز هست که مخاطب کدام رسانه باشیم، زیرا اساساً ما در دنیای امروز رسانه‌ای مستقل و فارغ از وابستگی نداریم. رسانه آزاد به آن معنا که مردم دنیا فکر می‌کنند یا انتظار دارند اساساً وجود ندارد. همه رسانه‌ها یا به لحاظ ایدئولوژیک و فکری یا به لحاظ مالی یا هر دو به یک یا چند مرکز وابسته بوده و سیاست‌های خود را مطابق با اهداف آنها تنظیم می‌کنند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها در برخورد با رویدادها که خمیرمایه اولیه فعالیت

رسانه‌ها هستند چند مدل واکنش از خود نشان می‌دهند. سکوت، انکار، بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی یا واقع‌نمایی از جمله سیاست‌هایی است که هر رسانه متناسب با وابستگی‌های خود بروز می‌دهد. انتخاب نوع این واکنش‌ها وابسته به رابطه این رویدادها با سیاست کلان آن رسانه به واسطه وابستگی قبلی خود به مراکز صاحب قدرت فکری یا مالی دارد. گاه یک رویداد هر میزان هم که مهم باشد آن رسانه ترجیح می‌دهد در مقابل آن سکوت کند و آن را پوشش ندهد. گاهی رسانه رخداد مذکور را پوشش می‌دهد اما در مقام انکار برمی‌آید و منکر هر اتفاقی در این زمینه می‌شود. گاهی یک رویداد کم‌اهمیت و کوچک را آن‌گونه بزرگ‌نمایی می‌کند که تبدیل به مهم‌ترین خبر اول جامعه هدف می‌شود و گاهی اتفاق‌های بزرگ و اثرگذار را آن قدر تنزل می‌بخشد و کوچک می‌کند که از اولویت جامعه خارج یا بی‌اهمیت می‌شود و همه اینها متناسب با آن سیاست کلان و حفظ منافع صاحبان قدرت وابسته به آن انجام می‌شود. اما آخرین دسته از عملکرد رسانه‌ها واقع‌نمایی است، یعنی قاب‌بندی روی رویداد و روایت‌گری از دریچه لنز دوربین یا قلم خود آن‌گونه که من دوست دارم و این اصلی اساسی در کار رسانه‌ای است.

این یک اصل اساسی در کار رسانه‌ای است و اثر آن به مخاطب باز می‌گردد. مطلبی که ابتدای بحث طرح شد به این معناست که در این دنیای بزرگ امکان مشاهده عینی واقعیت‌های جهان برای بسیاری از مردم دنیا میسر نیست و آنها آگاهی و شناخت خود از رویدادهای دنیا را از دریچه دوربین، قلم یا صدای رسانه‌ها به دست می‌آورند. رسانه‌هایی که اساساً مستقل و بی‌طرف نبوده‌اند، نیستند و نخواهند بود. اتفاق‌های میدان جنگ در غزه هم پر است از سکوت‌ها، انکارها، بزرگ‌نمایی‌ها، کوچک‌نمایی‌ها و واقع‌نمایی‌هایی که رسانه‌ها منتشر و مردم آن‌گونه آن را درک کرده‌اند. در واقع باید توجه کنیم میان واقعیت رویداد و حقیقت برداشت‌شده توسط مخاطب برخی اوقات فاصله‌های آشکاری وجود دارد. ممکن است سوال شود مگر حقیقت ماجرا با واقعیت ماجرا متفاوت است؟ بله! به‌رغم برداشت‌های یکسان عامه مردم که این ۲ مفهوم یعنی حقیقت با واقعیت را یکسان می‌دانند فلاسفه معتقدند میان واقعیت و حقیقت در ریشه فرق وجود دارد. واقعیت یا فکت از ریشه «وقع» به معنای چیزی که اتفاق افتاده است و حقیقت از ریشه کلمه عربی «حق» به معنای راست و درست به کار می‌رود، بنابراین واقعیت آن چیزی است که وجود دارد و قابل مشاهده و اندازه‌گیری است لذا امور غیرقابل انکار و بدیهی هستند پس آنچه دیده می‌شود و قابل تأیید است واقعیت محسوب می‌شود. واقعیت امری عینی است نه ذهنی، واقعیت چیزی نیست که ما باور داشته باشیم، بلکه چیزی است که وجود دارد و احساس می‌شود، در مقابل حقیقت ممکن است گاهی واقعیت را شامل شود اما عموماً شامل باور است. نکته اینجاست که اغلب مردم چیزهایی را حقیقت یا درست می‌دانند که به باورشان نزدیک‌تر است. حقیقت چیزی است که فرد به آن اعتقاد دارد، بنابراین

باورکردنی است، بدیهی و غیرقابل انکار است. برای درک واقعیت باید زمینه مربوط در نظر گرفته شود لذا اگر واقعیت خارج از زمینه مربوط تفسیر شود می‌تواند به روایت و حقیقتی متفاوت تبدیل شود. نکته اساسی اختلاف‌نظرها درباره یک واقعیت موجود ریشه در همین نکته ظریف گفته‌شده دارد. این یک اصل اساسی در کار رسانه‌ای است و اثر آن به مخاطب باز می‌گردد.

آنچه مردم دنیا از واقعیت‌های صحنه میدان نبرد ۷۶ ساله فلسطینیان با صهیونیست‌های کودک‌کش می‌دانند وابسته به خروجی رسانه‌های جریان امپریالیسم دنیاست، به واسطه برتری فناوری‌های غربی در زمینه رسانه، روایت از واقعیت‌ها تاکنون یک‌جانبه و به نفع جریان سلطه غرب بوده است. حتی مردم عدالتجوی ساکن غرب یا شرق عالم هم حقیقت ماجرا را متفاوت از واقعیت‌های میدان درک، فهم و باور کرده‌اند، به همین خاطر در بسیاری از این سال‌ها ما شاهد سکوت در برابر ظلم رژیم اشغالگر قدس یا همسویی اغلب مردم دنیا با سیاست‌های دولتمردان غربی وابسته به جریان صهیونیسم بین‌الملل بوده‌ایم. به باور من اما در برهه کنونی داستان کمی متفاوت شده است. تقریباً از همان لحظات آغازین عملیات توفان الاقصی به نظر می‌رسد پیوست رسانه‌ای عملیات نیز مورد توجه رزمندگان مقاومت اسلامی غزه قرار داشته، لذا آنها به خوبی توانستند روایتی دیگر غیر از روایت رسانه‌ها و کشورهای همزمن را در بستر رسانه بویژه رسانه‌های اجتماعی انعکاس دهند و پس از آن نیز با رشادت و از خودگذشتگی‌های سربازان خط مقدم رسانه‌های محور مقاومت اسلامی و همکاری برخی شبکه‌های رسانه‌ای منطقه از جمله الجزیره قطر و یک رسانه از ترکیه، گزارش‌هایی متفاوت از رسانه‌های غربی را به اطلاع افکار عمومی جهانی رسانند. در بسیاری موارد با افشا کردن دروغ صهیونیست‌ها اجازه شکل دادن به باورهای غلط و حقیقت متفاوت را ندادند، از جمله درباره اتفاقات ناگوار بیمارستان شفا و روایت وارونه صهیونیست‌ها، همچنین بسیاری از جنایات جنگی و نسل‌کشی آنها را. همان‌گونه که عرض کردم این اتفاقات مرهون زحمت ایثارگران عرصه خبر و رسانه در جبهه محور مقاومت است که کار بسیار بزرگی نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر پیوست رسانه‌ای عملیات‌های نیروهای مقاومت توانست آن ابهت پوشالی و ضربه‌ناپذیر ارتش صهیونیست‌ها را که سال‌ها تلاش کردند به کمک رسانه‌های خود در باور مردم جهان و منطقه ایجاد کنند در هم شکنند. امروز جهان، شکست‌ناپذیری ارتش صهیونیست را خیالپردازی‌ای بیش نمی‌داند. از سویی امروز بر خلاف سال‌ها و دوره‌های گذشته شاهد شکل‌گیری موج‌های بزرگ افکار عمومی جهانی ضد صهیونیسم و طرفدار مردم مظلوم و مقتدر فلسطین بوده‌ایم. اتفاقی که در ۵ ماه گذشته به کرات در همه کشورهای دنیا حتی پایتخت‌ها یا شهرهای بزرگ اروپایی و آمریکایی نیز رخ داده است. فرآیند رابطه و تأثیر رسانه‌ها با جنگ غزه را می‌توان در این چارچوب علمی مبتنی بر علم ارتباطات و رسانه مورد ارزیابی قرار داد.